روزنامه همدلی
روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
شنبه ۲۵ دی ۱۴۰۰_ ۱۲ جمادی الثانی ۱۴۴۳_ ۱۵ ژانویه ۲۰۲۲- شماره ۱۸۶۰ _ سال ششم
۸ صفحه _ قیمت ۲۰۰۰ تومان _ ضریب کیفی ۶۷۴
t.me/HamdeliNews newspaper.hamdeli@gmail.com hamdelidaily.ir
صاحب امتیاز , مدیر مسئول: ولی‌الله شجاع‌پوریان سردبیر: فضل‌الله یاری
چاپ: صمیم ۴۴۵۳۳۷۲۵ - ۰۲۱ توزیع: نشر گستر امروز ۰۲۱۶۱۹۳۳۰۰۰
نشانی: تهران- میدان انقلاب - خیابان کارگر شمالی- کوچه مهر- پلاک ۶- طبقه اول- واحد۳
تلفکس: ۰۲۱۶۶۹۸۱۲۷۵ _ ۰۲۱۶۶۹۸۱۲۷۱

چهره

مرگ قهرمان کشتی در مرکز ترک اعتیاد بر اثر ضرب و شتم

محسن قاسمی قهرمان اسبق کشتی لرستان و ایران پس‌ازاینکه چندین ماه در حالت کما قرار داشت از دنیا رفت. محسن قاسمی قهرمان لرستانی کشتی که در میادین ملی و بین‌المللی عناوین زیادی کسب کرده بود، پس‌ازاینکه مدت‌ها در کما قرار داشت، دارفانی را وداع گفت.

در همین راستا فرید بهرامی رئیس هیات کشتی لرستان با اشاره به درگذشت محسن قاسمی، اظهار کرد: متأسفانه قهرمان کشتی فرنگی لرستانی را پس از تحمل سال‌ها رنج زندگی نباتی از دست دادیم.

وی خاطرنشان کرد: محسن قاسمی کشتی‌گیر بنام لرستانی بارها در میادین مختلف ملی و بین‌المللی پرچم پرافتخار کشور را به اهتزاز درآورده بود و عناوینی همچون قهرمان کشتی فرنگی آسیا و جهان را در کارنامه خود داشت. رئیس هیات کشتی لرستان با بیان اینکه محسن قاسمی از کشتی‌گیران بااستعداد و نابغه‌های استان و کشور محسوب می‌شد، گفت: متأسفانه موطلایی کشتی لرستان جان به جان‌آفرین تسلیم کرد. بهرامی در خصوص جزییات تشییع این کشتی‌گیر پرافتخار لرستانی، گفت: منتظر اعلام زمان و

مکان تشییع توسط خانواده قاسمی هستیم و به‌محض اطلاع برنامه‌هایی را پیش‌بینی خواهیم کرد. گفتنی است محسن قاسمی قهرمان اسبق کشتی ایران بود که متأسفانه چند سال پیش در دام اعتیاد گرفتار شد و زمانی که قصد ترک اعتیاد را داشت توسط برخی اراذل در کمپ ترک اعتیاد موردحمله قرار گرفت و دچار ضربه‌مغزی شد و به کما رفت. قاسمی پس از ماه‌ها تحمل درد و رنج به دیار حق شتافت.

داستانک

خانه‌ی کنارِ اتوبان

ستاره جهاندیده
نویسنده

زمانی که به مدرسه می‌رفتم، دختری در سرویس مدرسه‌مان بود که کمی عقب‌مانده بود. این دختر مشکلات بسیاری داشت. در کلاس ما نبود، اصلاً هم‌سن من نبود ولی برای من عجیب بود که چطور اصلاً به مدرسه‌ی عادی می‌آید.

مشکلات حرکتی بسیاری داشت، بد و ناموزون راه می‌رفت و بسیاری از حرکاتش تند و غیرارادی بودند، حتی در سوارشدن در سرویس هم به کمک پدرش احتیاج داشت. آب دهانش همیشه آویزان بود و سرش کمی به سمت کج متمایل بود. حتی حرف هم نمی‌توانست بزند، یا شاید هم می‌زد، گاهی چیزهای نامفهومی می‌گفت، فکر می‌کنم سلام و خداحافظی می‌کرد، راستش هیچ‌کدام از ما با او هم‌کلام نمی‌شدیم تا متوجه شویم. ما نه‌تنها سعی نمی‌کردیم با او دوست شویم، بلکه حتی کمی از او می‌ترسیدیم، به نظرمان حرکاتش چندش‌آور بود و حضورش در سرویس برایمان سخت بود، همچون موجودی عجیب و غیرعادی به او نگاه می‌کردیم، کسی که از فضا آمده و نه یک دختر معمولی، یک موجود عجیب‌وغریب و البته حرکات عجیب سروصورتش و صداهای نامفهومی که درمی‌آورد هم کمکی به این موضوع نمی‌کرد. خانه این دختر کنار کمربندی بود، جای عجیبی برای یک‌خانه بود چون درست کنار اتوبان بود. خانه به نظر دست‌ساز می‌آمد، نه‌چندان خوب، دوطبقه‌ی زهوار درررفته‌ی قهوه‌ای‌رنگ که رویِ‌هم سوار شده بودند و طبقه‌ی زیرین احتمالاً مغازه‌ی پدرش بود. همیشه پدر و مادرش را می‌دیدیم. هر دو، دست‌به‌سینه، هر روز صبح منتظر آمدن سرویس بودند.

بیرون خانه کاغذی دوطبقه‌شان می‌ایستادند، با شور و شوقی عجیب و غیرقابل درک. پدر همیشه خندان و آماده بود، پیرمردی بود، حالا که فکر می‌کنم خیلی هم پیر نبود ولی برای اینکه دختری به سن ما داشته باشد پیر بود. با شور و شوق و قدرشناسی فراوان دخترش را سوار تاکسی می‌کرد، به ما سر تکان می‌داد، گویی که از حضور دخترش کنار ما بچه‌های عادی بسیار خوشحال است. گاهی وقت‌ها زنش هم کنارش بود، زنی نسبتاً قدکوتاه با مانتوی بلند مشکی، کمی دمغ و اخمو که در کنار شوهرش دست‌به‌سینه می‌ایستاد. این تصویر همیشه در ذهن من باقی است، این زوج که هر روز با اصرار دخترشان را سوار سرویس می‌کردند که به مدرسه‌ی عادی برود و جلوی خانه‌شان، خانه دوطبقه‌ی زهوار درررفته‌شان در کنار کمربندی منتظر می‌ماندند.

امید و انتظارشان، نگاهشان به ما، چیزی که هرگز از جانب ما پاسخ داده نشد و امیدشان برای دوستی دخترشان با ما که هرگز به ثمر نرسید. هنوز در ذهن من آن‌ها همان‌جا ایستاده‌اند، امیدوار و منتظر. زوج پیر، خانه‌شان و دختری که با گردن کج و آب دهان آویزان، سوار بر گردن پدرش، هر روز با شادی سوار سرویس می‌شود و به ما صبح به خیری نامفهوم و گوش‌خراش اما بی‌جواب می‌گوید.

حافظه تاریخی

روزی که محمد قاضی مترجم دون کیشوت درگذشت

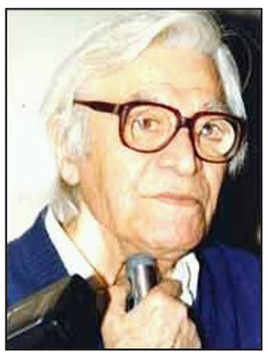

استاد محمد امامی قاضی که بعدها به محمد قاضی تخفیف شهرت داد، در مردادماه ۱۲۹۲ش در مهاباد به دنیا آمد. وی پس از اخذ لیسانس به کارهای متنوع اداری و دولتی روی آورد و به دلیل تسلط به زبان فرانسه، به ترجمه آثار برجسته ادبی و تاریخی جهان پرداخت که بی‌شک آشنایی نسل کنونی با حجم عظیمی از رمان‌های مشهور غرب، مرهون تلاش و ذوق ورزی‌های محمد قاضی است. نثر ترجمه‌های او چنان شیوا و رسا و بدون تعقید و گره است که آثارش را به‌واقع سرمشقی برای دیگر مترجمان ساخته است. قاضی به‌جز ترجمه آثاری از قبیل: دُن کیشوت، سپید دندان، جزیره پنگوئن‌ها، تاریک‌ترین زندان و مهاتما گاندی و... که جزو برترین آثار ادبی جهان محسوب می‌شوند، چند داستان و نیز کتابی درباره سرگذشت ترجمه‌هایش و کتابی با عنوان خاطرات یک مترجم دارد که در آن با بیانی بسیار جذاب از دوران کودکی و زندگی خود سخن گفته است. محمد قاضیی گرچه بیش از ۳۰ سال از آخر عمر خود را تنها با عینک می‌دید و با سمعک می‌شنید و با صوتک سخن می‌گفت، اما تا واپسین روزهای عمر، از کار و خلاقیت بازنایستاد و بر گنجینه نفیس آفرینش‌های ادبی خویش گوهری دیگر می‌افزود. این استاد مترجم، سرانجام پس از تحمل سال‌ها بیماری، در ۲۴ دی‌ماه ۱۳۷۶ ش در ۸۴ سالگی دارفانی را وداع گفت و پیکرش بنا بر وصیت او در زادگاهش مدفون شد.

ادبیات

از ملک ادب داعیه‌داران همه رفتند

امیر اصلان شکوهی
شاعر و نویسنده

در فضای مجازی سخنان یکی از چهره‌های ادبی روز را در معرض دید ارادتمندان خواجه قرار داده اند که همین مختصر اگرچه مفید نیست ولی غنیمت است و پژواک صدایی از بانگ جرس کاروان ادب فارسی که از دوردست‌ها به گوش می‌رسد. این‌که گاهی نگاهی به ماندگارترین جلوه غزل شیوای فارسی داشته باشیم، حداقل نام حافظ را در ذهن‌ها تداعی و در حافظه‌ها زنده و بر سر زبان‌ها نگه می‌دارد. سخنران در تفسیری کوتاه و در حد زمانی که داشته‌اند نگاه حافظ را در بحثی کلی به زاهد، واعظ، مفتی، محتسب، شیخ و دیگر راهیان این وادی تعریف کرده‌اند که مقبول طبع مریدان خواجه و کاری سزاوار تحسین است، اما باید بپذیریم هیچ‌چیزی به‌اندازه زبان و ادبیات فارسی به‌ویژه شعر در نیم‌قرن اخیر مورد بی‌مهری قرار نگرفته؛ امروزه حتی استادان دانشگاه‌های ما از آن بنیه‌ی علمی و دانش کافی در رشته‌های تخصصی خود بهره ندارند و در رشته‌های زبان و ادبیات فارسی که ذوق فطری و زبان مادری در آن دخالت تام دارد، این ضعف با نمود روشن‌تری به چشم می‌آید تا آنجا که میدان‌داران و مدعیان ادبیات روز کشور در تفسیر و شرح ابیات غزل حافظ و حتی درست خواندن شعر خواجه که یک علاقه‌مند به غزل حافظ هم آن را شاید اشتباه نخواند موفق نیستند. سخنران روی بیتی از شعر حافظ تمرکز کرده که با شرمساری آن را درست نمی‌خواند: «بادەنوشی که در او روی و ریایی نبود/بهتر از زهدفروشی که در او روی و ریاست.» پیش از توضیح و تفسیر این بیت جناب استاد، دیوان حافظ را با کتاب داستان مقایسه می‌کنند. می‌کنم در کتاب داستان، دو یا سه یا پنج یا ۱۰انسان درصحنه حضور دارند که هر یک در موقعیتی خاص به هم دور یا نزدیک می‌شوند اما حدود ۵۰۰غزل دیوان حافظ جلوه‌هایی از ذات و فطرت آفرینش و جلال و جلای عشق را نشان می‌دهد. هر غزلی دورنمایی از گردش سپهر برین و کارگه هستی و اجزای کائنات را به تصویر می‌کشد: «در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد/عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد» «غلام همت آنم که زیر چرخ کبود/زهر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است.» البته جای تعجب نیست که شرایط خاص جامعه در ناکامی از امتیازات علمی بی‌تأثیر نباشد. در خلال همین سخنان این استاد شخصیت‌های منفی دوره زندگی حافظ را بی‌آبرو معرفی می‌کنند که خود جای بحث است. بی‌آبرویی در آن روزگار بار معنایی کلانی را به همراه داشت و نیز در ادامه همین تفسیر می‌گویند آن‌کسی که گناه (خالصانه) بکند و می بنوشد... آیا گناه می‌تواند با توصیف خالصانه تعریف شود؟ و اصولاً صفت گناه و گناهکار هم می‌تواند موصوف خالصانه داشته باشد؟ به هر جهت این بخش، فکری آسوده و جوان و پویا را می‌طلبد که در محله ما این‌یک قلم جنس را والله چه عرض کنم؟! آ.آ.آ... آیا کسی از گناه خالصانه می‌تواند تعریف قابل‌باوری داشته باشد؟ این ریزه‌کاری‌ها است که بنیاد زبان فارسی را سست نشان می‌دهد و کفه شعر و ادب معاصر را سبک. بزرگ‌ترین سرمایه فخرآمیز ما یعنی شعر و ادبیات فارسی در جهان مایه‌ی افتخار ما بود که باکمال تأسف امروز در همه دانشگاه‌هایمان یک محقق یا ادیب صاحب‌نام نداریم و اگر کسانی چون استاد مهدوی دامغانی داریم برای دانشجویان آمریکا فیض بخش است نه برای کشورمان که وجودش را گرامی نمی‌دارند و قدر و پایگاه دانشش را ارج نمی‌نهند. ورزشکاران ما در جهان شهرتشان بیشتر از شاعران و نویسندگان در میدان شعر و ادبیات است اما وجود ورزشکاران در میدان ورزش سبب خروج اهالی شعر و ادب از میدان که نیست؟ پس کجای کار می‌لنگد که باید به دنبال رفتگان از ملک ادب رفت؟ این تراژدی غم‌انگیزی است که تمامیت فرهنگی و ادبی و سرمایه معنوی یک ملت دستخوش تحولات ناخواسته‌ای شود و با هوچی گری تهی‌مایگان شعر و ادب را بر مسند این جایگاه فاخر ادبی و فرهنگی بنشانند. اینک برمی‌گردیم به تعریف بیت موردبحث؛ این استاد ارجمند به هنگام خواندن بیت، کلمات را طوری ادا می‌کنند که بادەنوشی به معنای صفت آورده می‌شود و نه صفت فاعلی با «یای وحدت»، یعنی آن شخص بادەنوش نه (بادەنوشی) به‌طور اعم که همه باده نوشان را شامل می‌شود، ضمناً در صفت بادەنوشی که رفتار بادەنوشان را تعریف می‌کند نمی‌تواند روی و ریا باشد؛ آن‌کس که باده می‌نوشد باید موردنظر حافظ باشد وگرنه در عمل بادەنوشی که روی و ریا نیست و نیز بادەنوش با زهدفروش مقایسه می‌شود و نه صفت بادەنوشی و زهد فروشی باهم.

یاد

احمد تفضلی؛ صاحب‌نظر بین‌المللی در زبان‌های ایرانی میانه

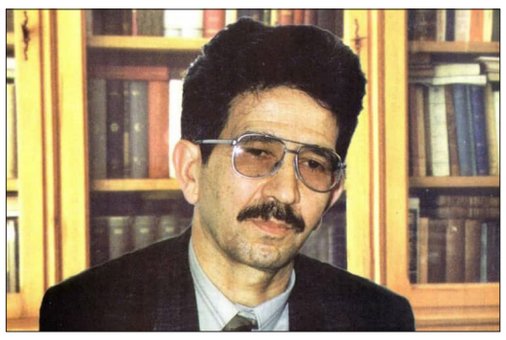

احمد تفضلی؛ زبان‌شناس، ایران‌شناس، پژوهشگر، مترجم و متخصص زبان پارسیگ، پارتی و استاد زبان‌های باستانی در دانشگاه تهران بود. تفضلی در زمینه زبان‌های ایرانی میانه به‌ویژه پارسیگ و پارتی، در پهنه بین‌المللی یکی از معدود صاحب‌نظران به‌شمار می‌آمد. احمد تفضلی در ۱۶ آذر سال ۱۳۱۶ در اصفهان زاده شد. تحصیلات مقدماتی را در تهران گذراند و در سال ۱۳۳۵ با دریافت مدال درجهٔ اوّل فرهنگ از دارالفنون دیپلم ادبی گرفت. در سال ۱۳۳۸ دانشکدهٔ زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران را با احراز رتبهٔ اول به پایان برد. در سال ۱۳۴۰ به انگلستان رفت و وارد رشتهٔ فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران در مدرسهٔ زبان‌های شرقی دانشگاه لندن شد و در سال ۱۳۴۴ فوق‌لیسانس گرفت. پیش از بازگشت به ایران دورهٔ تحقیقی کوتاهی را هم در پاریس گذراند. در ۱۳۴۵ در رشتهٔ زبان‌های باستانی از دانشگاه تهران درجهٔ دکتری گرفت. موضوع پایان‌نامهٔ او تصحیح و ترجمهٔ سوتکرنسک و ورشت مانسرنسک از دینکرد و سنجش این دو نسک با متن‌های اوستایی، به راهنمایی صادق کیا بوده است. از ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۵ ضمن تحصیل، به‌عنوان پژوهشگر در استخدام اداره فرهنگ‌عامه بود. از ۱۳۴۵ تا ۱۳۴۷ در بنیاد فرهنگ ایران، به تحقیق پرداخت. در ۱۳۴۷ به تدریس در دانشگاه تهران مشغول شد. در ۱۳۷۰ عضو پیوستهٔ فرهنگستان زبان و ادب فارسی و از سال ۱۳۷۳ معاون علمی و پژوهشی این فرهنگستان بود. تفضلی علاوه بر این‌که یکی از صاحب‌نظران در زمینهٔ زبان‌های باستانی ایران بود، به زبان عربی کاملاً آشنا بود و به زبان‌های انگلیسی و فرانسوی و آلمانی و ادبیات فارسی تسلّط کامل داشت و همچنین با روسی نیز آشنا بود. او نزد همه استادان به نام و قدیمی دانشگاه تهران شاگردی کرد و محبوب بود. در روز ۲۴دی‌ماه ۱۳۷۵ بعد از خروج از دفتر کارش در دانشگاه تهران که به سمت خانه‌اش می‌رفت در بین راه به شکل مشکوکی به قتل می‌رسد. گفته می‌شود در جریان پرونده قتل‌های زنجیره‌ای از او نیز به‌عنوان یکی از این قربانیان یاد می‌شود. «تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، زبان پهلوی ادبیات و دستور آن و ده‌ها مقاله علمی معتبر» در مجلات جهانی از آثار گران‌بهای این استاد مشهور بین‌المللی هستند.

میراث

کشف یک کتیبه با نام «زرتشت» در مرودشت فارس

پژوهشگران ایرانی از کشف یک کتیبه تاریخی که نام «زرتشت» روی آن حک‌شده خبر دادند. این کتیبه مربوط به اواخر دوره ساسانی در حوالی شهر استخر در مرودشت فارس کشف‌شده است. مدیر پایگاه جهانی تخت جمشید می‌گوید قبلاً در اسناد کاغذی نام زرتشت آورده شده بود، اما برای نخستین بار است که نام «زرتشت» بر روی یک کتیبه دیده می‌شود. پژوهشگران ایرانی از کشف یک کتیبه تاریخی که نام «زرتشت» روی آن حک‌شده خبر دادند. این کتیبه مربوط به اواخر دوره ساسانی در حوالی شهر استخر در مرودشت فارس کشف‌شده است. این سنگ نبشته که در شش سطر به زبان پهلوی نگارش شده در ابعاد ۴۰ در ۳۵سانتیمتر است که به دلیل فرسایش آن باستان‌شناسان با روش‌های تخصصی آن را خوانده و ترجمه کرده‌اند. مدیر پایگاه جهانی تخت جمشید می‌گوید قبلاً در اسناد کاغذی نام زرتشت آورده شده بود اما برای نخستین بار است که نام «زرتشت» روی یک کتیبه دیده می‌شود. شهرستان مرودشت به دلیل دارا بودن موقعیت خاص تاریخی کتیبه‌ها و اسناد مهم تاریخی و باستانی فراوانی در خود جای‌داده است. از دوره ساسانی سنگ‌نوشته‌های متعددی در این شهر به‌جامانده که برخی وابسته به شاهان و درباریان و بخشی دیگر به‌وسیله مردم عادی در دل کوهستان‌های این دشت به نگارش درآمده‌اند که به دلیل قرار گرفتن در مکان‌هایی مانند دیواره صخره و بر فراز کوه و دامنه، در معرض آسیب بیشتر به‌واسطه شرایط جوی و محیطی قرار دارند. به گفته یک کارشناس ارشد مرمت آثار باستانی «پدیده آب شستگی» از مهم‌ترین آسیب‌هایی است که این آثار ارزشمند را تحت تأثیر قرار می‌دهد. طی کاوش‌های باستانی چند سال اخیر بیش از ۲۵ کتیبه کشف‌شده که همگی مورد خوانش قرارگرفته‌اند. آقای اتابکی پژوهشگر آزاد دراین‌باره می‌گوید: «یکی از کتیبه‌های بی‌نظیری که ما اخیراً در حوالی شهر استخر و دامنه شرقی کوهستان نقش رستم کشف نمودیم، کتیبه‌ای است که پس از خوانش آن دریافتیم، نام «دادار امهر سپند» (آفریدگار مقدس) و «زرتشت» (پیام‌آور بزرگ ایرانی) در آن یادشده است.» اتابکی درباره اهمیت این کتیبه گفت: «هرچند نام اشو زرتشت در میان متون اوستایی و نسخه‌های پهلوی و در شعر شاعرانی چون خاقانی، فردوسی، نظامی، مولانا، حافظ به فراوانی یادشده، اما ما برای نخستین بار، نام این پیام‌آور ایرانی را بروی یک سنگ‌نوشته مشاهده نمودیم که در نوع خود بی‌نظیر است.»

در بچه

Bretislav Kovarik - Czech Republic

جزئیات سعدی

به نانهاده دست نرسد و نهاده هر کجا هست برسد.
شنیده‌ای که سکندر برفت تا ظلمات
به چند محنت و خورد آن که خورد آب حیات

درست بنویسیم

تا:

برای غیر جاندار به کار می‌رود؛ بنابراین نمی‌توان گفت: دو تا (به‌جای: دو تن) از دوستانم هم با او آمدند.

فرازین

درباره نفقه

مژگان مسلمی
کارشناس حقوق

گذشت مدت‌زمان قابل‌توجه از زندگی مشترک زوجین در منزل مشترک و فقدان هر گونه شکایت از سوی زوجه، اماره بر پرداخت نفقه محسوب و اثبات خلاف آن بر عهده زوجه است.

مجازستان

- یکی از مهم‌ترین مهارت‌ها توی زندگی «دوباره شروع کردنه»، اتفاقات همیشه آدم رو غافلگیر می‌کنند، باید بتونی خودتو جمع کنی و دوباره شروع کنی، حتا اگر بار صدم باشه. **(جهان)**
- وضعیت قیمت‌ها جوری شده که اگه یه شب بیرون شام بخوری بعدش باید زندگیتو از صفر شروع کنی. **(ایوان گِری)**
- یعنی چی یه سری از رستوران‌ها میان میگن ما اینجا فقط غذای خونگی داریم؟ ما اومدیم رستوران که غذای خونگی نخوریم دیگه. وگرنه می‌موندیم تو همون خونه‌مون. **(دومینور هارمونیک)**
- من اگه یخچال بودم، نصف شب میومدم تو اتاقتون هی چراغو خاموش روشن میکردم ببینم خودتون خوشتون میاد. **(بی شعوری)**

دنیای علم

کشفی که می‌تواند نظریه تشکیل ستارگان را متحول کند

به گفته‌ی محققان، این احتمال وجود دارد که ستارگان سریع‌تر ازآنچه که تصور می‌کردیم، تشکیل شوند. این کشف می‌تواند نظریه تشکیل ستارگان را متحول کند. اخترشناسان با استفاده از «تلسکوپ کروی با دیافراگم پانصد متری» یا «فست» در جنوب غربی چین به کاوش ابر مولکولی «لیندز ۱۵۴۴» پرداختند. رصد این ابر که در فاصله‌ی ۴۵۰سال نوری در صورت فلکی گاو قرار دارد توسط ستاره‌شناسان آکادمی علوم چین در بیجینگ انجام گرفت. آن‌ها می‌گویند این ابر مولکولی در آستانه متولد کردن یک ستاره است. نظریات پیشین در مورد تشکیل ستارگان بیان می‌کند که میلیون‌ها سال طول می‌کشد تا گاز و غبار درون یک ابر مولکولی جمع شده و منطقه‌ای متراکم برای ایجاد جرقه همجوشی هسته‌ای به وجود آورد. میدان‌های مغناطیسی قوی نیز از سرعت این فرآیند می‌کاهند. بااین‌حال در این مطالعه جدید آن‌ها دریافتند که میدان مغناطیسی در متراکم‌ترین بخش ابر مولکولی، جایی که انتظار می‌رود ستاره‌ها در آن شکل بگیرند، ۱۳بار ضعیف‌تر از آن چیزی است که پیش‌بینی‌شده بود. این بدان معناست که میدان مغناطیسی در ناحیه متراکم به‌اندازه کافی قوی نیست که از فرآیند همجوشی هسته‌ای جلوگیری کند و بنابراین ستارگان می‌توانند زودتر ازآنچه انتظار می‌رود، متولد شوند. پیش‌ازاین ستاره‌شناسان از رصدخانه «آرسیبو» در پورتوریکو برای بررسی متراکم‌ترین بخش‌های ابر مولکولی استفاده می‌کردند. این رصدخانه در حال حاضر ازکارافتاده است. رصدخانه‌های دیگر برای اندازه‌گیری نواحی کم تراکم‌تر ابر استفاده شده‌اند و در این مطالعه روی منطقه‌ای بین این دو بخش تمرکز شده است. آن‌ها با استفاده از بزرگ‌ترین رصدخانه‌ی رادیویی جهان توانستند میدان مغناطیسی این ابر را مورد کاوش قرار دهند و نتایج را با مدل‌های رایانه‌ای مقایسه کنند. محققان تفاوت بزرگی میان قدرت میدان مغناطیسی در مناطق متراکم در مقایسه با آنچه با توجه به مدل‌های رایانه‌ای انتظار می‌رفت، مشاهده کردند. نویسندگان نوشتند: کشف میدان مغناطیسی کاهش‌یافته در مرکز هسته پیش‌ستاره‌ای L۱۵۴۴ می‌تواند درک ما از نحوه شکل‌گیری ستارگان را متحول کند. هسته پیش‌ستاره‌ای یک ابر مولکولی متراکم است که شکل‌گیری ستاره در آن اتفاق می‌افتد و تصور می‌شود کاهش قدرت میدان مغناطیسی برای شروع تشکیل ستاره ضروری باشد. برخی از نظریه‌ها نشان می‌دهند که این تغییرات مغناطیسی زمانی اتفاق می‌افتد که هسته بسیار متراکم است و باعث فروپاشی هسته‌ها و تشکیل ستاره‌ها می‌شود. بااین‌حال کاوش قدرت میدان میان ستاره‌ای منظومه پیش ستاره‌ای اولیه کار چالش‌برانگیزی بوده است. «تائو چانگ چینگ» محقق ارشد این مقاله و همکارانش یک میدان مغناطیسی در گاز اتمی سرد خارج از مرکز L۱۵۴۴ یافتند؛ و شاهد کاهش ۱۳برابری میدان مغناطیسی بودند. در حقیقت آن‌ها پیش‌بینی می‌کنند که ممکن است ستاره‌ی کوچک جنینی ۱۰برابر زودتر از تصور در حال شکل‌گیری باشد. میدان مغناطیسی در این ابرهای تشکیل‌دهنده‌ی ستاره می‌تواند ۱۰۰هزار بار ضعیف‌تر از میدان مغناطیسی اطراف زمین باشد و به همین دلیل مطالعه آن‌ها دشوار است. در مطالعات قبلی میدان‌های مغناطیسی در لایه‌های کم‌تراکم گاز خارج از هسته بررسی‌شده بود. در این مکان‌ها نیروی مغناطیسی بر نیروی گرانشی غالب است. آن‌ها سپس میدان‌های مغناطیسی قوی‌تر درون‌هسته ابر را بررسی کردند و دریافتند در این مناطق گرانش غالب است.

سازمان آگهی‌های روزنامه همدلی
۰۹۱۲۶۸۷۰۱۹۱ ۰۲۱۶۶۹۸۱۲۷۱